



تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سیاست‌های امنیت منطقه‌ای دو کشور (مورد مطالعاتی یمن)

سعید توتونچی^۱

مجید گل‌پرور^۲

علی باقری زاده^۳

چکیده

سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دو دهه گذشته نسبتاً تقابلی بوده و به ویژه پس از تحولات جهان عرب از سال ۲۰۱۱، تشدید شده است. می‌توان گفت وجود بنیان‌های هویتی متضاد مذهبی، قومی و ملی و جهت‌گیری سیاسی نسبت به غرب خروجی‌های تقابل‌جویانه‌ای داشته است که هم بر روابط دوجانبه و هم بر سیاست‌ها و دکترین امنیت منطقه‌ای دو کشور تأثیرگذار بوده است. رقابت و تقابل هویت‌جویانه دو کشور در منطقه غرب آسیا بصورت جنگ‌های نیابتی جلوه‌گر شده و یکی از مهم‌ترین آن‌ها در یمن شکل گرفته است. این پژوهش تلاش می‌کند با بکارگیری چارچوب نظری سازه‌انگاری و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که: رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی چه تأثیری بر دگرگونی سیاست‌های امنیت منطقه‌ای دو کشور و چه پیامدی در تحولات یمن داشته است؟ فرضیه تحقیق مبین آن است که سیاست‌های امنیت منطقه‌ای عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران متأثر از رویارویی هویت‌جویانه دو کشور طی یک دهه گذشته به سمت تقابلی حرکت کرده و مخاصمات در منطقه را سبب گشته و تشدید کرده است. به طور مشخص تقابل هویتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی سبب مداخله و درگیری دو کشور در یمن شده است، به گونه‌ای که پس از نزدیک به یک دهه از آغاز بحران در این کشور، چشم‌انداز روشنی برای حل و مدیریت آن دیده نمی‌شود. گسترش شیعه‌گری جمهوری اسلامی ایران در مقابل وهابی‌گری عربستان سعودی، دیدگاه متفاوت به غرب و رویارویی و جنگ‌های نیابتی در برخی کشورهای منطقه چون سوریه و یمن از مهم‌ترین اثرات رویارویی هویت‌جویانه دو کشور بر سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور-سیاست مذهبی، نگاه به غرب و درگیری‌های نیابتی در منطقه- بوده است.

کلمات کلیدی

ایدئولوژی، رویارویی ایدئولوژیک، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی.

- ۱- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. totonchi_2000@yahoo.com
- ۲- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. (نویسنده مسئول) majid.golparvar@gmail.com
- ۳- استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران ali_bagherizadeh@yahoo.com

در این مقاله به طر خاص سه سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی تشریح خواهد شد که رویارویی هویت‌جویانه دو کشور، آن‌ها را به شدت متأثر کرده است. نخست باید به سیاست‌های مذهبی جمهوری اسلامی و عربستان در منطقه پرداخت. دو کشور با وجود اکثریت جمعیت مسلمان، وجوه اختلاف بسیاری دارند که یکی از دلایل اصلی آن وجود دو مذهب متفاوت و متضاد حاکم بر دستگاه سیاست‌گذاری آن‌ها است. عربستان سعودی نماینده مذهب وهابیت و مدافع گسترش آن است و جمهوری اسلامی به عنوان تنها حکومت شیعی، داعیه‌دار این مذهب در منطقه است. به دلیل وجود اختلافات بنیادی و تقابل میان این دو مذهب، درگیری بین سیاست‌های دو کشور ناگزیر است.

گسترش مذهب وهابیسیم از ابتدای تأسیس عربستان سعودی یکی از سیاست‌های ثابت منطقه‌ای این کشور بوده است. جمهوری اسلامی تنها کشور منطقه با اکثریت شیعه نیز، همواره به دنبال گسترش و نفوذ تشیع در میان مسلمانان منطقه بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکم شدن مذهب شیعه بر دستگاه قانونگذاری و سیاستگذاری جمهوری اسلامی، تلاش‌های حکومتی برای صدور و تبلیغ تشیع در منطقه افزایش یافت. به دنبال این تحولات، عربستان سعودی در واکنش، گسترش وهابیت را سرعت بخشید. اما از ابتدای قرن بیست و یک و با شروع تحولات عراق در سال ۲۰۰۳ و نیز تحولات در لبنان، دو کشور سعی در نفوذ ایدئولوژی مورد نظر خود در منطقه کردند. به طور ویژه می‌توان گفت پس از تحولات جهان عرب از سال ۲۰۱۱، عربستان سعودی تلاش کرد وهابیسیم را به عنوان جایگزینی برای جریان‌های منطقه‌ای گسترش دهد. اکثر گروه‌های رادیکال مذهبی در منطقه، دارای گرایش‌های وهابی هستند. عربستان با تغذیه این گروه‌ها در کشورهای مختلف از جمله در عراق، فلسطین، لبنان، بحرین، افغانستان، پاکستان و سوریه، علاوه بر گسترش وهابیت، سعی در افزایش نفوذ خود و کاهش نفوذ جمهوری اسلامی داشته است.

جمهوری اسلامی نیز به عنوان کشور حامی شیعیان از ابتدای قرن بیست و یکم و به ویژه پس از تحولات بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، تلاش کرده سیاست‌های نفوذ و گسترش مذهبی را توسعه دهد. در این راستا ایجاد مراکز اسلامی در کشورهای منطقه، ایجاد شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی برای مردم منطقه، پذیرش دانشجویان مسلمان کشورهای منطقه و برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌های اسلامی در کشور، از اقدامات جمهوری اسلامی در ترویج مذهب تشیع بوده است. رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی و عربستان سعودی، سیاست مذهبی دو کشور در منطقه را تشدید کرده و اقدامات تلافی‌جویانه دو کشور، شرایط به سمت تقابل بیشتر سوق داده است.

تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و ... / تونچی، گل‌پرور و باقری‌زاده

سیاست منطقه‌ای دیگر جمهوری اسلامی و عربستان سعودی دیدگاه متفاوت به غرب است. عربستان سعودی از ابتدای تأسیس کشوری غربگرا و وابسته به قدرتهای غربی بوده است. معاهدات و پیمان‌های دو و چندجانبه با کشورهای غربی و به خصوص ایالات متحده نشان دهنده پیوندهای مستحکم عربستان با غرب است. از طرف دیگر جمهوری اسلامی گرایش‌های ضد غربی و هم‌مون‌ستیزانه دارد. بنابراین در طول چند دهه گذشته نه به دنبال بهبود روابط با غرب، که به دنبال گسترش روابط با دیگر قدرتها از جمله روسیه و چین بوده است. جمهوری اسلامی همواره مخالف حضور نیروهای غرب در منطقه و دخالت قدرتهای غربی در منطقه بوده اما عربستان سعودی به عنوان کشوری وابسته به غرب، از حضور نیروهای نظامی غرب در منطقه پشتیبانی کرده و حتی موافق دخالت این قدرتها در سیاست‌های منطقه است. رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی و عربستان در دو دهه گذشته، گرایش عربستان به غرب را تشدید کرده و جمهوری اسلامی را از غرب دور و به شرق یعنی چین و روسیه نزدیک‌تر کرده است. رویارویی هویتی دو کشور در منطقه، غرب‌گرایی عربستان و غرب‌ستیزی جمهوری اسلامی را تشدید کرده است.

سیاست منطقه‌ای سوم که از رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی و عربستان بسیار تأثیر پذیرفته درگیری‌ها و جنگ‌های نیابتی در منطقه است. جمهوری اسلامی و عربستان به عنوان دو کشور رقیب در منطقه همواره سعی در نفوذ بر کشورهای منطقه داشته‌اند. این نفوذ دیپلماتیک، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده است. در دو دهه گذشته و به دنبال تغییرات در ساختار قدرت کشورهای منطقه، درگیری‌ها میان ایران و عربستان افزایش یافت. به عنوان مثال پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ و خلاء قدرت ایجاد شده در این کشور، ایران و عربستان هر دو سعی کردند نیروهای نزدیک به خود را در این کشور به قدرت برسانند و این سیاست سبب بروز درگیری‌های نظامی بین نیروهای هوادار دو کشور در عراق گردید. همین رویکرد را در لبنان، فلسطین، بحرین، سوریه و اخیراً در یمن شاهد بوده‌ایم. در این کشورها جمهوری اسلامی به حمایت از گروه‌های شیعی یا نزدیک به تشیع پرداخت تا ایدئولوژی تشیع را گسترش داده و از نفوذ عربستان جلوگیری کند. در مقابل عربستان به حمایت از گروه‌های سنی و وهابی در این کشورها پرداخت که برخی از آنها گروهک‌های تروریستی بوده‌اند. رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی و عربستان در منطقه، درگیری‌های بین دو کشور در منطقه را تشدید کرده است. و حتی سبب جنگ‌های نیابتی در منطقه شده است.

از آنجا که مهم‌ترین نمود تقابل ایران و عربستان در منطقه در قالب جنگ نیابتی در یمن جریان دارد، پژوهش حاضر با بررسی رویارویی دو کشور از منظری هویتی در صدد پاسخگویی به این سوال است

که رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی و عربستان چه تأثیری بر دگرگونی سیاست‌های امنیت منطقه‌ای دو کشور و چه پیامدی در تحولات یمن داشته است؟ فرضیه تحقیق مبین آن است که سیاست‌های امنیت منطقه‌ای عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران متأثر از رویارویی هویت‌جویانه دو کشور طی یک دهه گذشته به سمت تقابلی حرکت کرده و مخاصمات در منطقه را سبب گشته و تشدید کرده است. به طور مشخص تقابل هویتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی سبب مداخله و درگیری دو کشور در یمن شده است، به گونه‌ای که پس از نزدیک به یک دهه از آغاز بحران در این کشور، چشم‌انداز روشنی برای حل و مدیریت آن دیده نمی‌شود.

پیشینه پژوهش

نبی‌الله ابراهیمی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان سلفیه وهابی، تمایزهای هویتی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی، به بررسی تمایزهای هویتی عربستان با جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه در ذیل سلفیه وهابی می‌پردازد. نویسنده به دنبال پاسخ این پرسش است که سلفی‌گری تکفیری عربستان چه جایگاهی در سیاست‌های هویتی این کشور دارد و نتیجه می‌گیرد که سیاست خارجی عربستان در دوران ملک عبدالله و ملک سلمان برپایه «سلفی‌گرایی عمل‌گرایانه» بوده و این راهبرد به بخشی از سیاست سعودی‌ها در منطقه تبدیل شده است. این سیاست نفوذ بر نوعی مهار نقش منطقه‌ای ایران و مقابله با سیاست‌های هویتی جمهوری اسلامی ایران استوار است. مقاله ابتدا سلفیه تکفیری و سیاست اشاعه ایدئولوژیکی آن را بررسی و سپس نقش این سیاست هویتی را در سیاست خارجی عربستان بررسی می‌کند. در پایان نویسنده راهبرد سعودی این سیاست در امنیت و سیاست هویتی جمهوری اسلامی ایران را تحلیل می‌کند.

رضا اخیتری امیری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی بر ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه تلاش می‌کند از منظر هویتی و ایدئولوژیک، تقابل ایدئولوژی وهابیت با گفتمان انقلاب اسلامی ایران را بر ایجاد ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه پس از وقوع بیداری اسلامی بررسی کند. این پژوهش استدلال می‌کند که برون‌دادهای سیاست خارجی عربستان و جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر، که به ترتیب متأثر از ایدئولوژی وهابیت و آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی هستند، نقش برجسته‌ای در تشدید رقابت‌های بین دو کشور و متعاقباً شکل‌گیری ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه ایفا کرده‌اند. به عبارتی، با آغاز بیداری اسلامی در کشورهای مختلف خاورمیانه، ایران اقدامات گوناگونی را در چارچوب مبانی اندیشه‌ای و آرمان‌های انقلابی امام خمینی به انجام رساند. اما پویای منطقه‌ای ایران با واکنش جدی کنش‌گر مهم دیگر منطقه یعنی عربستان مواجه گردید، که بر اساس مبانی آیین وهابیت

تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و ... / توتونچی، گل‌پرور و باقری‌زاده

ماهیتی ضد شیعی و ایرانی- انقلابی داشته و تلاش می‌کند تا در مقابل نفوذ و نقش‌آفرینی منطقه‌ای ایران به‌طور جدی مقابله کند. تعارض هویتی عربستان و ایران و رقابت‌های این دو کشور در این قالب، در حال حاضر منجر به «هویتی شدن رقابت‌های ژئوپلیتیکی» شده و متعاقباً نیز این طیف از رقابت‌ها را در خاورمیانه تشدید کرده است.

محمد محمودی‌کیا (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان سیاست خارجی ایدئولوژیک؛ از نظریه تا عمل درصدد پاسخ به این سؤال است که سهم ایدئولوژی و عمل‌گرایی در کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه میزان است و کدام یک از این دو اصالت بیشتری در عمل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارند؟ نتیجه این تحقیق مبین آن است که هر چند در اکثر کشورها هنجارها و ارزش‌های ایدئولوژیک به درجاتی در عمل سیاست خارجی تأثیرگذار هستند، ولی این ارزش‌ها سهم قابل توجهی در سیاست‌گذاری و اجرای سیاست خارجی ایران داشته و در حکم اصول راهبردی آن محسوب می‌شوند. با وجود دیدگاه غالب که سیاست خارجی ایران را سیاستی عمل‌گرایانه می‌داند، فرضیه اصلی این تحقیق بر این گزاره استوار است که ماهیت اصلی سیاست خارجی ایران هم‌چنان ایدئولوژیک بوده و رویکرد عمل‌گرایانه در سیاست خارجی ناشی از وجود منافع متعارض در نظام بین‌الملل و نیز محدودیت‌های ناشی از منابع قدرت ملی بر اساس نگاه تاکتیکی و نه راهبردی قابل توجیه است.

محسن شاهوردی (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان تأثیر تقابل ایدئولوژیک بر روابط سیاسی ایران و عربستان ۲۰۱۴-۲۰۱۰، تلاش کرده از طریق نظریه سازه‌نگاری، مبانی ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران و عربستان را تبیین کرده و به چگونگی تولد منافع متعارض از طریق هویت‌های منبعث از ایدئولوژی‌های متفاوت بپردازد. سوال پژوهش این است که تقابل ایدئولوژیک چه تأثیری بر روابط سیاسی ایران و عربستان پس از ۲۰۱۰ داشته است و در طول تحقیق این فرضیه که تقابل ایدئولوژیک از طریق ایجاد برداشت‌های متضاد از تحولات منطقه‌ای و امنیتی کردن هویت، موجب واگرایی در روابط سیاسی ایران و عربستان سعودی شده است مورد مذاقه قرار گرفته و اثبات شده است. نتیجه بررسی‌ها و پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از آن است که روابط خارجی کشورهای ایران و عربستان همواره از رقابت و همکاری یا تضاد و وفاتق برخوردار بوده و همکاری‌های مقطعی دو کشور به منزله فراموشی نقش‌های ناشی از هویت‌شان نبوده بلکه این کشورها صرفاً تلاش نمودند تا مانع برجسته‌سازی هویت‌های متعارض خود باشند. تعارض هویتی ناشی از دو ایدئولوژی متضاد بین دو کشور به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار در روابط خارجی قبل از انقلاب اسلامی در ایران بوده و این اختلافات پس از انقلاب و صدور انقلاب و ایدئولوژی امام خمینی(ره) مبنی بر استکبارستیزی موجب سیاست تقابل‌گرایانه جمهوری اسلامی ایران

و "برهم زدن وضع موجود" گردیده و با سیاست عربستان مبنی بر "حفظ وضع موجود" و "تعامل محافظه کارانه" با کشورهای غربی در تقابل آشکار بوده است.

ویکتوریا چن (۲۰۱۷) در گزارشی با عنوان "عربستان سعودی و ایران: فرقه‌گرایی، جستجوی هژمونی منطقه‌ای و همسویی‌های بین‌المللی" می‌نویسد: اگرچه ریاض و تهران اغلب اختلافات فرقه‌ای را به عنوان توضیح و توجیهی برای تقابل‌های منطقه‌ای خود مطرح می‌کنند اما فرقه‌گرایی تنها یکی از متغیرهای روابط پیچیده بین دو کشور است. سوال اصلی این تحقیق پیرامون منابع غیر فرقه‌ای اختلاف بین عربستان و ایران و راه‌هایی است که رهبری عربستان و ایران این تقابل را حول فرقه‌گرایی تنظیم می‌کنند. نویسنده ابتدا با استفاده از چارچوب سازه‌نگاری، به تحلیل ساخت اجتماعی و تاریخی عربستان سعودی و ایران می‌پردازد تا دلایل اصلی تقابل آن‌ها را از منظر تفاوت‌های فرقه‌ای و فراتر از آن درک کند. بر اساس بررسی دقیق تاریخ عربستان و ایران و سیاست‌های معاصر، این مقاله سپس از نمونه‌هایی از جنگ‌های نیابتی در بحرین و یمن پس از بهار عربی برای تمرکز بر استراتژی‌های ژئوپلیتیکی معاصر عربستان سعودی و ایران استفاده می‌کند. عربستان سعودی و ایران گفتمان‌های سیاسی متضادی دارند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رویدادهایی مانند انقلاب‌های بهار عربی، عربستان سعودی را به شدت ترسانده است. در نتیجه، این کشور برای جلوگیری از تهاجم ایران، سیاست‌های تهاجمی را اعمال کرده است. سعودی‌ها، جنبش‌ها و احزاب شیعه را که معمولاً نماینده ایران هستند، تحقیر می‌کنند. از سوی دیگر، ایران در تلاش برای متحد کردن همه مسلمانان علیه نیروهای امپریالیستی، هم‌چنان سعودی‌ها را به عنوان نوکران امپریالیسم آمریکا محکوم می‌کند. بنابراین تقابل بین دو ملت دارای سه بعد است: فرقه‌گرایی، تلاش برای هژمونی منطقه‌ای، و صفت‌بندی بین‌المللی.

گیمنز سریولی^۱ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان "نقش‌ها و رفتار بین‌المللی: رقابت ایران و عربستان سعودی در بهار عربی بحرین و یمن" که در Contexto Internacional شماره ۴۰ به چاپ رسیده است، به دنبال تجزیه و تحلیل رقابت بین عربستان سعودی و ایران؛ دو قدرت منطقه است که برای رهبری در خلیج فارس رقابت می‌کنند. هدف مقاله این است که این رقابت را از منظر تئوری نقش، با تمرکز بر برداشت‌های نقش ملی که هر دو کشور برای خود طراحی می‌کنند، درک کند. این چارچوب نظری فرض می‌کند ایران و عربستان سعودی تصاویر خود ساخته‌ای را طراحی می‌کنند که نمایانگر ساختار شناختی آن چیزی است که تصمیم‌گیران معتقدند ملت‌هایشان برای آن ایستادگی می‌کنند. به عنوان نمونه، ایران نقشی از سنگر انقلاب‌ها را ارائه می‌کند که کاملاً علیه نقش بی‌ثبات‌ساز عربستان سعودی تنظیم شده است. این مقاله به واکنش‌های ایران و عربستان سعودی به وقایع مربوط به بهار عربی

تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و ... / توتونچی، گل‌پرور و باقری‌زاده

(بیداری اسلامی) در بحرین و یمن می‌پردازد و نشان می‌دهد چه زمانی رقابت (به نوعی) در رفتارهای بین‌المللی آن‌ها وجود دارد. در پایان، مقاله به درک بهتر از طرح ایدئولوژیک تهران و ریاض می‌افزاید و اینکه چه سیاست‌های منطقه‌ای با وضعیت رقابت اثبات می‌شود.

سر جان جکینز^۲ (۲۰۱۸)، در گزارشی با عنوان "عربستان سعودی و ایران؛ اسلام‌های آیین‌کاری شده" برای مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن، می‌گوید رابطه عربستان سعودی و ایران در خاورمیانه معاصر را می‌توان یکی از موارد مشروعیت‌های رقابتی در یک سیستم بی‌نظم دانست. به نظر می‌رسد این رقابت به شکلی که بسیاری از افراد تصور می‌کنند قابل کنترل نیست، و در نهایت سیاست‌گذارانشان با گزینه‌های سخت روبرو هستند، مگر اینکه دولت‌های متبوعشان بخواهند از عرصه رقابت‌های ژئوپلیتیکی خارج شوند. یک دیالکتیک آشکار در شیوه‌ای که ایران و عربستان سعودی از اسلام‌گرایی‌های گوناگون برای طرح پروژه‌های ملی خود، قانونی کردن اقتدار دولت و به عنوان ابزاری برای سیاست‌های خارجی خود استفاده کرده‌اند، وجود دارد. نویسنده در این گزارش به دنبال این است نشان دهد با وجود اینکه ایدئولوژی هر دو کشور از اسلام منبعث شده است اما تفاوت‌های عمیقی با یکدیگر دارند که خود را در سیاست‌های متضاد دو دولت نشان می‌دهد.

بهزاد دیانسایی (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان "ایران و عربستان در خاورمیانه: رهبری و فرقه‌گرایی (۲۰۱۷-۲۰۱۱)" منتشر شده در RUDN University (Peoples' Friendship University of Russia)، می‌نویسد روابط ایران و عربستان سعودی هرگز در سطح مطلوبی نبوده است. انقلاب ایران، سقوط صدام حسین در عراق و بهار عربی به‌نوبه خود، اختلافات بین دو قدرت منطقه‌ای را افزایش داد. در این مقاله به بررسی روابط ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ پرداخته شده است. هر دو کشور ادعای رهبری بر سایر کشورهای اسلامی مسلمان در خاورمیانه را دارند که در آن ایران به عنوان یک کشور شیعه و عربستان سعودی به عنوان یک کشور سنی وهابی دارای درگیری‌های عقیدتی و سیاسی متعددی هستند که منافع متضادی را برای یکدیگر ترسیم کرده است. در نتیجه، وضعیت جدید بین‌المللی چندمنظوره منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی به وجود آمد تا تجزیه و تحلیل شود که استفاده از روش‌های تحلیلی عمومی علمی (روش‌های منطقی، تایپولوژیکی، القایی-قیاسی و غیره) و تعدادی روش خاص برای مطالعه مستقیم روابط بین‌الملل، از جمله روش‌های مبتنی بر رویکرد سیستمی منطقی است.

نویسنده با تأکید بر فرقه‌گرایی ابزاری به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم روند تحول نظم منطقه‌ای، دو کشور قدرتمند منطقه را مورد بررسی قرار داده است. ایران به عنوان یکی از قدرت‌های برتر منطقه در

زمینه گفتمان اسلامی و همان نقش برای عربستان سعودی با گرایش شدید در چارچوب گفتمان عربی درک شده است. نویسنده نتیجه می‌گیرد که ایران و عربستان سعودی جاه‌طلبی‌هایی برای سهم بیشتر از خاورمیانه جدید دارند و از دیدگاه مذهبی، در گسترش نفوذ خود در کشورهای خاورمیانه نقش مهمی دارند. آنا سویچ^۳ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان "در پس جنگ سرد سعودی و ایران واقعا چیست؟" منتشر شده در Instituto Español de Estudios Estratégicos: IEEE می‌نویسد درگیری بین ایران و عربستان سعودی به طور معمول به عنوان یک اختلاف فرقه‌ای توضیح داده می‌شود، اما این مقاله استدلال می‌کند که افزایش تنش‌های فرقه‌ای نتیجه و نه دلیل رقابت بین دو کشور است. پادشاهی عربستان در پاسخ به چالش ایدئولوژیکی ناشی از ایران، به بازی کردن با کارت فرقه‌ای متوسل شده است، که سعی می‌کند مسلمانان اهل سنت را با دفاع از یک سیستم سیاسی که ترکیبی از اسلام و نوعی از یک دموکراسی است، به سمت خود جلب کند. جمهوری اسلامی به نوبه خود ترجیح می‌دهد اختلافات سنی و شیعه را تضعیف کند و بر لزوم وحدت اسلامی در برابر دشمنان خارجی به ویژه اسرائیل و آمریکا تأکید می‌کند. علاوه بر این، هم ریاض و هم تهران نگران بقای رژیم هستند که این عامل اصلی در سیاست خارجی آن‌ها و چگونگی چارچوب آن است.

فرقه‌گرایی توضیحی رضایت‌بخش برای جنگ سرد بین عربستان سعودی و ایران که ناشی از انگیزه‌های متعارف‌تر است، نیست. اولین مورد رقابت ایدئولوژیک است: عربستان سعودی با کارت فرقه‌گرایی بازی می‌کند زیرا از احساس عقیدتی اسلامی که توسط جمهوری اسلامی ترویج شده است احساس تهدید می‌کند. ایران «بیداری اسلامی» را تشویق می‌کند که لزوماً مبتنی بر اصل خمینیستی ولایت فقیه نیست، بلکه با شرایط خاص در کشورهای مختلف مسلمان تطبیق می‌یابد. یکی دیگر از نگرانی‌های ریاض، توانایی ایران برای تأثیرگذاری و نفوذ خود در منطقه از طریق نیروهای پیشرو است: شیعیان در لبنان و عراق، علوی‌ها در سوریه، زیدی‌ها در یمن. تهران این موضوع را از نظر بیداری اسلامی و محور مقاومت توجیه می‌کند، نه وفاداری‌های فرقه‌ای. مقامات ایرانی بر حمایت کشورشان از مسلمانان سنی به ویژه در فلسطین تأکید می‌کنند و گروه‌های تکفیری مانند داعش را به عنوان بخشی از یک توطئه غربی-صهیونیستی برای لکه‌دار کردن آبروی اسلام و منحرف کردن توجه از جنگ علیه اسرائیل محکوم می‌کنند. نویسنده نتیجه می‌گیرد بدون شک مورد یمن برای ایران "پیوندی در زنجیره مقاومت" نیست بلکه فرصتی برای اذیت سعودی‌ها در حیات خلوت آن‌ها ایجاد کرده است.

این پژوهش تلاش دارد به صورت صریح و مشخص نشان دهد ریشه اصلی درگیری‌های طولانی‌مدت ایران و عربستان به مبانی نظری تصمیم‌گیران دو کشور بازمی‌گردد و دیگر اختلافات دو کشور در سایه

تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و ... / توتونچی، گل‌پرور و باقری‌زاده

این اختلاف و در اولویت بعدی قرار می‌گیرند. مقاله در تلاش است تا تأثیر این تقابل هویت‌جویانه را بر سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور بررسی کند. و در این راستا سه سیاست شیعه‌گستری جمهوری اسلامی در مقابل وهابی‌گستری عربستان، غرب‌گرایی عربستان سعودی در مقابل غرب‌ستیزی جمهوری اسلامی و جنگ‌های نیابتی متأثر از رویارویی هویتی دو کشور تجزیه و تحلیل می‌شوند. تأثیر مشخص رویارویی هویتی دو کشور بر این سیاست‌های منطقه‌ای، وجه تمایز این پژوهش از موارد ذکر شده است.

چارچوب نظری

سازه‌انگاری^۴

در این پژوهش تلاش شده از طریق نظریه سازه‌انگاری، مبانی هویت‌جوی سیاست خارجی ایران و عربستان تبیین شده و تأثیر رویارویی هویت‌جویانه دو کشور بر سیاست‌های امنیت منطقه‌ای بررسی شود. این مفروض که رویارویی هویت‌جویانه ایران و عربستان، سیاست‌های امنیت منطقه‌ای را متأثر کرده و موجب واگرایی در روابط دو کشور می‌شود، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این پژوهش با نظر به مبحث هویت از مکتب سازه‌انگاری، رویارویی هویتی ایران و عربستان بررسی می‌شود.

الکساندر ونت^۵ می‌گوید دولت‌ها، در شرایط فقدان ساختارهای آمره تعیین‌کننده رفتار، می‌توانند در چارچوب فرایند تعامل نمادین هویت‌های خود را بسازند. دوستی و دشمنی در روابط دولت‌ها و برای آن‌ها امری ذاتی و پیش‌ساخته نیست، بلکه در فرایند است که شکل می‌گیرد. توزیع علائق، نقش ساختارهای معرفتی را دارند که زمینه و بستر ساختارهای مادی را فراهم می‌نماید. این علائق فرایند سیستم نیستند، بلکه باورهای اجتماعی شده‌ای می‌باشند که ضمن تأثیرگذاری در تعیین اهداف قابل پی‌گیری، فرایند شکل‌گیری منافع واقعی دولت‌ها را نیز تعیین می‌کنند. بنابراین گرچه دولت‌ها به عنوان موجوداتی خود سازمان‌بخش نیازهای معینی نظیر بقا، احترام به نفس و خودمختاری دارند، اما این فرایند رویه‌ها و کردارهای اجتماعی است که چگونگی تبلور این نیازها را برای هرباز یگر مشخص می‌نماید (ونت، ۱۳۸۴: ۳۷۰). از دیدگاه ونت هویت مهم‌ترین مؤلفه در تعیین سیاست خارجی دولت‌هاست. هویت خصوصیت یا ویژگی اصلی است که دولت‌ها به عنوان کنشگران نیت‌مند دارند و موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری آن‌ها می‌شود.

تئوری سازه‌انگاری معتقد است نظام‌های معنایی تعیین‌کننده چگونگی تفسیر کنشگران از محیط خود هستند. سازه‌انگاران معتقدند منابع مادی، تنها از طریق ساختار آگاهی مشترک که در آن لانه کرده‌اند، برای کنش بشر معنا می‌یابد. سازه‌انگاری معتقد است نظام نهادینه‌شده، هویت‌های اجتماعی

کنشگران را رقم می‌زند و هویت‌های اجتماعی نیز سازنده منافع کنشگران هستند (ونت، ۱۳۸۴: ۷۵). جمهوری اسلامی خود را نماینده جهان تشیع می‌داند و هویتی شیعی-ایرانی برای خود قائل است و بر اساس این هویت، سیاست خارجی خود را تنظیم می‌کند. حمایت از جنبش‌ها و سازمان‌های شیعی در منطقه همچون جنبش‌ها و گروه‌های شیعی در عراق، سوریه، لبنان و یمن از این منظر قابل بررسی است. در طرف مقابل، عربستان سعودی به عنوان نماینده جهان اهل سنت و برادر بزرگ کشورهای عربی با ادعای رهبری جهان اسلام، از کشورهای عربی و جنبش‌های اهل سنت حمایت می‌کند؛ حمایت از گروه‌های سنی عراق، مخالفان سنی دولت اسد در سوریه، گروه‌های سیاسی لبنان و دولت مستعفی سنی یمن (منصور هادی) در این راستا قابل ارزیابی است.

به نظر ونت هویت کنشگران را شرایط آنارشیک تعیین نمی‌کند. این تعاملات آنهاست که هویت آن‌ها را مشخص می‌سازد و بسته به این هویت خود و دیگری است که آنارشی معنای خود را می‌یابد. در این تعاملات ممکن است نشانه‌هایی رد و بدل شوند و رویه‌هایی شکل گیرند و کنش‌هایی صورت پذیرند که به دشمنی، احساس تهدید، نداشتن امنیت و... منجر شوند و ممکن است با دسته‌ای دیگر از نشانه‌ها، رویه‌ها و کنش‌ها دوستی، همکاری، منافع مشترک و... شکل گیرند. در این شرایط هر نوع افزایش قدرت دیگری خطر تلقی نمی‌شود، بلکه اگر دیگری دشمن قلمداد شود، کوچک‌ترین افزایش قدرت وی تهدید تلقی خواهد شد (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۳۴۶).

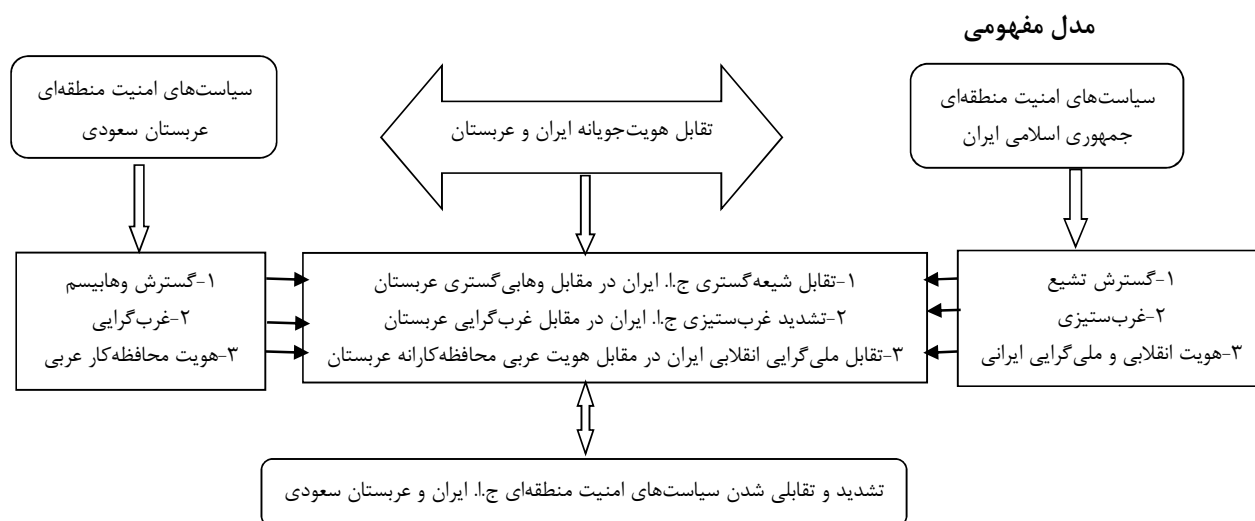
ونت بر آن است که سرشت نظام در کل می‌تواند سه حالت داشته باشد: فرهنگ هابزی، لاکي و کانتی که به رفتار دولت‌ها ساختار می‌بخشد. گذار از فرهنگ لاکي (همراه با موازنه قدرت، رقابت امنیتی و جنگ‌های محدود) به فرهنگ کانتی (همراه با امنیت دسته‌جمعی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات) را می‌بیند و معتقد است که گرایش‌های رفتاری این دو فرهنگ کاملاً متمایز است. رابطه میان ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه را می‌توان ذیل فرهنگ هابزی در دیدگاه ونت بررسی کرد. تا زمانی که دو کشور با ذهنیت دشمن‌انگاری یکدیگر به تعامل در منطقه مبادرت ورزند، روابط خصمانه و تقابلی جویانه خواهد بود. زمانی این دیدگاه تقابلی تغییر خواهد کرد که دو کشور دیدگاه‌های خود را در مورد طرف مقابل تغییر دهند.

ایدئولوژی یک برساخته اجتماعی است که در هویت جمهوری اسلامی ایران و عربستان تفاوت ایجاد می‌کند. این پژوهش به دنبال روشن ساختن فرآیندهایی است که جوامع و دولتمردان دو کشور، جهان خود را توصیف کرده و خود را با آن معرفی می‌کنند. این پژوهش از یک سو به دنبال کشف هویت دو کشور ایران و عربستان است که از مجموعه‌ای از متون، قواعد، سنت‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، دین و... تشکیل

تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و ... / توتونچی، گل‌پرور و باقری‌زاده

شده است و از طرف دیگر نقش هنجارهای اجتماعی و هویت‌ها در شکل‌دهی برون‌دادهای سیاست خارجی را بررسی می‌کند.

از منظر سازه‌انگاری دو کشور ایران و عربستان با هویت‌های متفاوت و متضاد در مقابل یکدیگر قرار دارند. یک طرف ایران شیعی و در طرف دیگر عربستان با ایدئولوژی وهابیسیم قرار دارد. این تقابل هویتی باعث شکل‌گیری آنارشی منازعه‌آمیز میان دو کشور شده است. آنچه روابط منازعه‌آمیز میان دو کشور را تشدید کرده، برداشت‌های خصمانه دو کشور از یکدیگر به عنوان دشمن است.



روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی تحلیلی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها بر اساس ارزیابی منابع اولیه و ثانویه جمع‌آوری می‌شوند. این منابع منتشرشده شامل اسناد بالادستی، مقاله‌های ژورنالی و کتاب‌های علمی است. اطلاعات از گزارش‌های مؤسسات داخلی و خارجی، مقالات و کتب منتشر شده مرتبط با موضوعات خاورمیانه گرفته شده است.

روش گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها استدلالی و عقلی است.

مؤلفه‌های هویت‌جوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مبانی مذهبی در تعیین اصول و قوانین حاکم بر رفتار جمهوری اسلامی سهم بسزایی دارد. بازتاب

این ویژگی در حوزه سیاست خارجی را می‌توان در مقدمه قانون اساسی ذیل شیوه حکومت در اسلام (اصل سوم بند ۱۶) و نیز اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی مشاهده کرد. اصولی که بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی، آرمان تشکیل امت واحده اسلامی، حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش و اسلامی، حمایت از مستضعفان و نیز تقابل‌گرایی با سلطه‌گران جهانی تأکید دارد (محمودی کیا، ۱۳۹۷: ۱۴۷). ملی‌گرایی ایرانی و استقلال‌طلبی، جهان‌گستری اسلامی، بین‌الملل‌گرایی اسلامی و ضد هژمون‌گرایی و غرب‌ستیزی مهم‌ترین مبانی هویت‌جوی جمهوری اسلامی ایران است.

ملی‌گرایی ایرانی، استقلال و عدم جواز به دخالت بیگانگان در امور داخلی

زبان و نژاد دو عامل اصلی هویتی کشورها را تشکیل می‌دهد. ایران به عنوان تنها کشور غیر عرب منطقه با زبان فارسی و نژاد ایرانی در مقابل کشورهای عرب‌زبان قرار می‌گیرد. از دیرباز تقابل میان عرب و عجم وجود داشته و این دیدگاه هنوز در میان نخبگان و جوامع کشورهای منطقه و ایران وجود دارد. بنابراین زبان فارسی و نژاد ایرانی یکی از مهم‌ترین مبانی هویتی جمهوری اسلامی ایران است.

یکی از اصول و اهداف انقلاب اسلامی، نیل به استقلال در عرصه بین‌المللی و عدم جواز به دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور است که در فقه سیاسی اسلام ریشه داشته و به قاعده «نفی سبیل» مشهور است (فاضل لنکرانی ۱۳۸۳: ۲۴۸). نحوه مواجهه دستگاه دیپلماسی کشور با محدودیت‌ها و موانع محیط عملیاتی نظام بین‌الملل در تحقق آرمان استقلال و منع سلطه، از مواردی است که اصل اجتناب‌ناپذیری در تعقیب اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیک در سیاست خارجی را نشان می‌دهد.

توسعه تشیع و تلاش برای جهان‌گستری اسلامی

انتظام سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر پایه صدور اسلام به عنوان یک مکتب انسان‌ساز و جهانی قرار دارد و یکی از اصول ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در حوزه کنش سیاست خارجی، تحقق حاکمیت الهی و گسترش جهانی ارزش‌های اسلامی است. این ایده در اشکال گوناگون و اصطلاحاتی هم‌چون صدور اسلام، صدور ارزش‌های اسلامی، صدور معنویات اسلامی، صدور نهضت، صدور جمهوری اسلامی و صدور تجربه حکومت اسلامی به کار رفته است.

از اصول و اهداف انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجی، تلاش برای تحقق وحدت و همگرایی در جهان اسلام است؛ در اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی با اشاره به آیه ۲۱ سوره انبیاء، سیاست کلی جمهوری اسلامی بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی معرفی شده و دولت نیز موظف است برای تحقق وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام تلاش کند. در عرصه عمل اقدامات گسترده‌ای

تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و ... / توتونچی، گل‌پرور و باقری‌زاده

در جهت تحقق این آرمان انجام شده است. تأسیس نهادها و سازمان‌های اسلامی بین‌المللی، برگزاری کنفرانس‌ها و اجلاس‌های سران کشورها و اندیشمندان اسلامی، حضور فعال در سازمان‌های اسلامی بین‌المللی، حمایت از تأسیس احزاب، تشکل‌های سیاسی، دینی و نظامی در برخی کشورهای اسلامی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده در این زمینه است.

هم‌چنین جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی برآمده از اسلام سیاسی شیعه خود را پرچمدار این مذهب می‌داند و در تلاش است تشیع را در ورای مرزهای ایران، در منطقه و دیگر کشورهای جهان گسترش دهد. حمایت از جمعیت‌ها و گروه‌های شیعی در منطقه در راستای این هدف است. تلاش برای رساندن گروه‌های شیعی به قدرت در کشورهای عراق، لبنان، بحرین، سوریه و اخیراً یمن همه در جهت سیاست توسعه تشیع از طرف جمهوری اسلامی است. سیاستی که با در تقابل با گسترش سیاست وهابی‌گری عربستان سعودی در منطقه، تشدید شده است.

ضد هژمون‌گرایی و غرب‌ستیزی

دین، اصول و آموزه‌های آن به عنوان ایدئولوژی جهت‌دهنده به سیاست خارجی جمهوری اسلامی، از جمله در اصل ضد هژمون‌گرایی آشکار است. نمودهای این اصل در سیاست‌های اعمالی جمهوری اسلامی در ارتباط با آمریکا و غرب ظهور یافت؛ مخالفت با سیاست‌های ایالات‌متحده آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون و تحمل هزینه‌هایی که این مخالفت برای جمهوری اسلامی به داشته، از نمودهای ضد هژمون‌گرایی در سیاست خارجی کشور است. مخالفت با حضور ایالات‌متحده در خارومیانه و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه و همکاری و همراهی با دیگر قدرت‌ها هم‌چون چین و روسیه در جهت تضعیف قدرت ایالات‌متحده در راستای سیاست ضد هژمون‌گرایی جمهوری اسلامی قابل تبیین است.

مؤلفه‌های هویت‌جویی سیاست خارجی عربستان سعودی

سه رویداد مهم باعث شده که عربستان سعودی از ابزار هویتی برای کنشگری استفاده کند. رویداد نخست، وقوع انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ بود که طی آن مسئله ایران به صورت چالش راهبردی، نمادین و داخلی عربستان سعودی مطرح شد. این چالش ریشه در نفوذ فزاینده و رو به رشد هویت ایران پس از انقلاب در منطقه داشت. رویداد دوم، تحولات داخلی ۲۰۰۳ عراق و قدرت گرفتن شیعیان در این کشور بود که عربستان را واداشت تا از افراط‌گرایی جهانی برای ضربه زدن به نفوذ ایران در منطقه استفاده کند. افراط‌گرایی جهانی، ابزاری برای سیاست ضد هژمونی سعودی در برابر ایران بود (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). رویداد سوم انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱ بود. در این دوران عربستان سعودی از یکسو، رهبری سیاست ضد

انقلابی‌گری سعودی را در حمایت از الگوی اقتدارگرا در مصر، تونس و بحرین بر عهده گرفت و از سوی دیگر در حمایت از قیام‌های مردمی در سوریه و لیبی در پی بسط الگو و گفتمان هویتی خود بوده است (محمدی و ذاکریان، ۱۳۹۸: ۱۳).

جهت‌گیری اسلامی-سلفی (بسط هویت اسلام سلفی)

عنصر هویتی وهابیت یکی از مؤثرترین متغیرها در تنظیم سیاست خارجی عربستان است. این سیاست عربستان عمدتاً در تقابل با تحرک شیعیان در منطقه به عنوان بازیگر غیرخودی و افزایش قدرت و نفوذ آنها، به ویژه از جانب ایران به عنوان رقیب ژئوپلیتیکی آن کشور، بوده است (اختیاری امیری، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

هویت پادشاهی محافظه‌کاری و هویت عربی در تقابل با مؤلفه‌های انقلابی و ایرانی جمهوری

اسلامی ایران

مهم‌ترین سیاستی که عربستان سعودی را از کشورهای عربی متمایز کرده، مخالفت با عقاید انقلابی موجود در جهان عرب و اسلام بوده است. این کشور نقشی محوری و محافظه‌کارانه در منطقه برای جلوگیری از گسترش ایده‌های انقلابی به عربستان سعودی و سایر کشورهای محافظه‌کار منطقه دارد. پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی در سوریه طی چند سال جنگ داخلی در این کشور برای حفظ پادشاهی سعودی بوده است.

عربستان به عنوان رهبر محافظه‌کاری عربی با هر نوع حکومت و جریانی که خواهان تغییر وضع موجود باشد مخالفت می‌کند. محور محافظه‌کاری به رهبری عربستان نگران حفظ ثبات سیاسی و امنیت منطقه‌ای است (صادقی، لطفی، ۱۳۹۵: ۵۸-۵۷). تقابل مستقیم عربستان با محور مقاومت را می‌توان در سوریه، بحرین و یمن مشاهده کرد.

عربستان سعودی خود را رهبر جهان عرب می‌داند و هویتی عربی برای خود قائل است. زبان عربی که زبان و فرهنگ مشترک اکثر کشورهای منطقه است این امکان را به عربستان سعودی می‌دهد تا در مقابل ایران با زبان و فرهنگ فارسی، با سایر کشورها متحد شود. اختلافات میان عرب‌ها و ایرانی‌ها نه متعلق به دوره کنونی که سابقه‌ای طولانی دارد. همان‌طور که در ذهنیت ایرانی‌ها نگاهی تقابلی با عرب‌ها وجود دارد، از جانب آن‌ها نیز چنین ذهنیتی وجود دارد و چه بسا بیشتر هم باشد. بنابراین این نوع نگاه و ذهنیت به ایرانیان و گسترش نفوذ آن‌ها در منطقه، عربستان سعودی را به شدت حساس کرده و به مقابله واداشته است.

تحکیم پیوندها با غرب و غرب‌گرایی

برخلاف جمهوری اسلامی که دیدگاهی غرب‌ستیز داشته و سیاست خارجی متمایل به شرق دارد، عربستان سعودی از دیرباز پیوندهای عمیقی با غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا داشته است. یکی از دلایل تحکیم این پیوند، ترس از انقلاب اسلامی و قدرت‌گیری فزاینده آن در منطقه است. بنابراین عربستان سعودی با انعقاد قراردادهای امنیتی و تسلیحاتی پیوندهای ناگسستنی با غرب دارد.

سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

مهم‌ترین سیاست‌های عربستان سعودی که بسیار از تقابل هویت‌جویی دو کشور اثر پذیرفته‌اند عبارتند از: سیاست‌های مذهبی دو کشور در راستای وهابی‌گری عربستان شیعه‌گستری جمهوری اسلامی؛ سیاست غرب‌گرایی و نزدیکی عربستان به اروپا و ایالات متحده آمریکا و غرب‌ستیزی جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی به کشورهای شرق از جمله چین و روسیه، سیاست سوم درگیری‌های دو کشور در منطقه که از آن با جنگ‌های نیابتی تعبیر می‌شود و نمونه‌هایش را می‌توان در عراق، سوریه و یمن مشاهده کرد.

سیاست مذهبی شیعه‌گستری جمهوری اسلامی ایران در مقابل وهابی‌گری عربستان سعودی؛

سیاست مذهبی گسترش وهابیت یکی از مهم‌ترین سیاست‌های منطقه‌ای عربستان سعودی است که می‌شود گفت همزمان با تأسیس این کشور، عربستان سعودی تلاش کرد این مذهب را هر چه بیشتر گسترش دهد. اما با انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹، و برای مقابله با گسترش و نفوذ تشیع، روند توسعه وهابیت از سوی عربستان سعودی شدت یافت.

شیعه‌ستیزی از ایستارهای برگرفته از آئین وهابیسیم است. طبق نظریه سازه‌انگاری که معتقد به انگاره‌های بینادهنی به معنای ادراک و برداشت متفاوت بازیگران از اعمال و رفتارهای یکدیگر است، عربستان سعودی با این برداشت که انقلاب اسلامی ایران به دنبال گسترش تشیع در منطقه است، سیاست‌های تهاجمی در مقابل شیعیان منطقه و جمهوری اسلامی را افزایش داد و به بسط و گسترش هر چه بیشتر آئین وهابیت روی آورد (شاهوردی، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

تعبیر عربستان در دشمن دانستن انقلاب اسلامی و شیعه‌گستری آن در منطقه، سبب شد این کشور دست به واکنش‌های تقابلی جویانه زده و به گسترش هر چه بیشتر وهابیت اقدام کند. برپایی مؤسسه‌هایی چون "رابطه العالم الاسلامی" و "مؤتمر العالم الاسلامی"، جلب همکاری دانشگاهیان، نویسندگان و عالمان دین، تسلط بر ساختار خبری جهان اسلام، حضور فعال در مراکز مهم اسلام‌شناسی، پشتیبانی از دولت‌های واپس‌گرای مسلمان در برابر خیزش‌های انقلابی و هماهنگی و همکاری با دشمنان جمهوری

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

اسلامی، بیانگر فعالیت‌های وهابیت سعودی در مقابله با شیعه‌گستری انقلاب اسلامی ایران بوده است (علیزاده، ۱۳۸۹: ۸۷).

عربستان سعودی طی چند دهه گذشته تلاش کرده است ایدئولوژی وهابیسیم را در کشورهای منطقه گسترش دهد و بدین منظور اقدام به تأسیس مراکز علمی-آموزشی در برخی کشورها کرده و یا از کشورهای مسلمان دانشجو پذیرفته است، هزینه ۳۵ برنامه توسعه‌ای و تأسیس صد مدرسه دینی را برای افغانستان تدارک دیده است. هم‌چنین در حال احداث یک دانشگاه در ولایت ننگرهار با هزینه ۵۰۰ میلیون دلار با ظرفیت ۱۰ هزار دانشجو است. در سال ۱۳۹۹ عربستان سعودی ۹۹ هزار جلد کتاب آموزشی و تجهیزات برای کلاس‌های درس در افغانستان ارسال کرده است. کتابخانه بزرگی نیز در دارالعلوم «نجم المدارس» ولایت ننگرهار از طرف سعودی‌ها به بهره‌برداری رسیده است (Pillalamarri, 2014: 1). با توجه به نظریه سازه‌نگاری مبتنی بر برداشت بیناذهنی بازیگران از اقدامات یکدیگر، جمهوری اسلامی ایران در راستای اقدامات عربستان در مقابله با شیعیان و گسترش وهابیسیم، دست به اقدامات متقابل زده است. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ظرفیت‌های موجود به اقداماتی مانند برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی، فعالیت‌های مجمع اهل‌البیت، جامعه‌المصطفی، بورسیه کردن دانشجویان مسلمان، تأسیس حوزه‌های علمیه در آفریقا، هند، آمریکای لاتین و سایر مناطق، استفاده از اینترنت برای گسترش دین، گسترش شبکه‌های تلویزیونی به زبان‌های خارجی، انتشار کتب دینی مذهبی در کشورهای سنی‌نشین و اقداماتی در مراسم حج و عمره برای ارتباط با مسلمانان سایر کشورها اقدام کرده است (شاهوردی، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

بنابراین می‌توان تشریح کرد که عربستان سعودی با مذهب وهابیت و جمهوری اسلامی با مذهب تشیع در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. این دو مذهب که دشمنی دیرینه‌ای دارند سیاست‌گذاری‌های دو کشور را متأثر کرده و سیاست‌های آن دو را در منطقه جهت داده است. این امر به ویژه در دو دهه گذشته بسیار نمود پیدا کرده است. و دو کشور برای جلوگیری از نفوذ دیگری دست به اقدامات متعددی زده‌اند. **سیاست غرب‌گرایی عربستان سعودی و تحکیم روابط این کشور با غرب و غرب‌ستیزی جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی به کشورهای شرق؛**

ایران مخالف حضور مداخله‌گران منطقه‌ای و بین‌المللی در منطقه است، اما عربستان سعودی و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نه تنها موافق این حضور بوده بلکه بعضاً در چارچوب نیازهای متقابل، مداخله‌گران را به درون منطقه هدایت می‌کنند (مدنی، ۱۳۸۵: ۲۷).

تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و ... / تونوچی، گل‌پرور و باقری‌زاده

دشمنی و تقابل هویتی عربستان و جمهوری اسلامی و مبارزه در این مسیر، سبب اتخاذ سیاست‌های متفاوت دو کشور در مقابل غرب شده است. جمهوری اسلامی به دنبال گسترش تشیع و اندیشه‌های انقلابی در بین ملت‌ها و کشورهای مسلمان منطقه، مخالف دخالت قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا در منطقه بوده و این امر در تقابل با عربستان سعودی قرار دارد که برای جلوگیری از گسترش تشیع و نفوذ جمهوری اسلامی در بین مسلمانان منطقه، خواهان تعمیق روابط با کشورهای غربی برای مقابله با نفوذ ایران است (شاهوردی، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۱۰۶).

انعقاد قراردادهای دو و چندجانبه عربستان سعودی با کشورهای غربی و به ویژه ایالات متحده و دادن پایگاه به این کشور در منطقه، متأثر از هراس عربستان سعودی از گسترش تشیع و نفوذ جمهوری اسلامی است. انعقاد قراردادی تسلیحاتی به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار با دولت ترامپ در سال ۲۰۱۷ تنها یک نمونه از اینگونه روابط است. با افزایش قدرت ایران شیعی و گسترش نفوذ آن در کشورهای منطقه چون لبنان، سوریه، عراق و یمن، عربستان سعودی برای مقابله با گسترش قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی به ناچار هرچه بیشتر به غرب نزدیک شد. انعقاد قراردادهای تسلیحاتی میلیاردی با آمریکا و برخی کشورهای اروپایی در همین راستا قابل ارزیابی است.

در طرف مقابل، جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب رویکردی غرب‌ستیز و ضد هژمون داشته و همواره تلاش کرده از مداخله قدرت‌های غربی در منطقه جلوگیری کند. اما با شدت گرفتن اختلافات با کشورهای منطقه و به ویژه عربستان سعودی و از آنجا که روابط با غرب مطلوب نیست، جمهوری اسلامی به کشورهای روسیه و چین متمایل شده است. انعقاد قراردادهای تسلیحاتی با این دو کشور در همین راستا تبیین می‌شود. انعقاد قراردادهای تجاری جمهوری اسلامی با چین-بزرگ‌ترین شریک تجاری جمهوری اسلامی- و ورود چین به منطقه، پیامد نگاه به شرق جمهوری اسلامی در منطقه است. در مقابل عربستان سعودی هم‌چنان متحد اصلی غرب در منطقه و برآورنده منویات آن‌ها است.

بنابراین می‌توان گفت تفاوت در نگاه به غرب از سوی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی حداقل در دو دهه اخیر از رویارویی هویتی دو کشور اثر پذیرفته است. عربستان سعودی برای گسترش وهابیت و مقابله با نفوذ تشیع ایرانی روی کمک غرب حساب باز کرده و با خرید تسلیحات پیشرفته نظامی و نیز درآمدهای سرشار نفتی توانایی خود را برای گسترش وهابیسیم و مبارزه با نفوذ ایران شیعی افزایش داده است. جمهوری اسلامی که برای مبارزه با نفوذ عربستان و تقویت نفوذ خود، مخالف هرگونه مداخله غرب در منطقه است به دیگر قدرت‌ها از جمله چین و روسیه نزدیک شده است. انعقاد قراردادهای تسلیحاتی،

اقتصادی و تجاری جمهوری اسلامی با روسیه و چین در دو دهه گذشته و کاهش روابط با غرب، متأثر از این سیاست است.

سیاست درگیری منطقه‌ای و جنگ‌های نیابتی

شاید بتوان مهم‌ترین تأثیر رویارویی هویتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور را درگیری‌ها و جنگ‌های نیابتی این دو کشور در منطقه دانست. جمهوری اسلامی ایران با هویت ایرانی شیعی انقلابی و غرب‌ستیز، نفوذ خود را در میان کشورهای منطقه افزایش داده و عربستان سعودی وهابی محافظه‌کار و غرب‌گرا به مقابله با سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه می‌پردازد. ترس عربستان سعودی از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در میان کشورهای منطقه، سبب اتخاذ رویکردهای تهاجمی در مقابله با ایران شده است. بنابراین در هر کدام از کشورهای منطقه که جمهوری اسلامی ورود کرده، عربستان سعودی به مقابله پرداخته است.

صعود شیعیان به رأس هرم قدرت در عراق و به حاشیه رفتن اهل سنت، بقا و تداوم ایستادگی متحدان ایران در لبنان، فلسطین و سوریه، همگی به گسترش نفوذ و توان بالقوه ایران شیعی در منطقه و مطرح شدن هلال شیعی انجامید که واکنش متقابل عربستان سعودی در این کشورها را به دنبال داشته است. در چنین شرایطی، قدرت‌گیری حوثی‌ها در یمن سبب شد عربستان خود را در محاصره شیعیان دیده و به درک جدیدی از شرایط حاکم بر محیط پیرامونی خود برسد. این مسئله بر الگوی رفتاری عربستان برای پاسخ به شرایط جدید به شدت اثرگذار شد (کرمی، ۱۳۹۴: ۲).

جمهوری اسلامی و عربستان قبل از ورود به بحران یمن و درگیری در این کشور، درگیری‌هایی در عراق، لبنان، فلسطین، بحرین و سوریه داشته‌اند. هر دو برای جلوگیری از نفوذ دیگری به حمایت و پشتیبانی نیروهای همسوی خود پرداخته‌اند و سعی در مهار نفوذ یکدیگر داشته‌اند. از مهم‌ترین دلایل موضع‌گیری جمهوری اسلامی و عربستان در این کشورها، مواضع ایدئولوژیک بوده است. جمهوری اسلامی در همه این کشورها تلاش کرده جانب گروه‌های شیعی یا نزدیک به تشیع را بگیرد و در مقابل عربستان از گروه‌های سنی و وهابی در این کشورها پشتیبانی کرده است. اما مهم‌ترین نمونه رویارویی هویتی و ایدئولوژیک عربستان سعودی و جمهوری اسلامی در منطقه را می‌توان جنگ نیابتی دو کشور در یمن دانست؛ جایی که جمهوری اسلامی از گروه‌های شیعه حوثی و عربستان از گروه‌های مقابل که از اهل سنت هستند، حمایت می‌کند.

مورد مطالعاتی یمن

یمن کشوری با ساختار قبیله‌ای، مذاهب گوناگون و تاریخی پر فراز و نشیب است. این کشور که در دوره معاصر همواره شاهد درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی بی‌شمار بوده، در دهه گذشته یکی از بدترین بحران‌های انسانی را پشت سر گذاشته است. از سال ۲۰۱۱ درگیری‌های داخلی در یمن آغاز شد و قدرت بین نیروهای مختلف تقسیم شد. یکی از این نیروها، گروه انصارالله از شیعیان حوثی یمن است که دارای روابط نزدیک با جمهوری اسلامی است. بنابراین جمهوری اسلامی تلاش کرد با حمایت از این گروه، به قدرت سیاسی در یمن نزدیک شود. و از این طریق وسعت محور مقاومت را تا نزدیکی مرزهای عربستان توسعه دهد.

از طرف دیگر عربستان سعودی به عنوان همسایه شمالی یمن، همواره دلمشغول تحولات همسایه جنوبی خود بوده است. وجود استان‌های شیعه‌نشین در نواحی جنوبی عربستان و هم‌مرز با یمن، همواره پاشنه آشیلی برای عربستان بوده است. احتمال قدرگیری حوثی‌ها، زنگ خطری برای عربستان بود. عربستان وجود دولتی شیعی و همسو با سیاست‌های جمهوری اسلامی را در نزدیکی مرزهای خود تاب نخواهد آورد. بنابراین ابتدا به حمایت از دولت مستعفی یمن پرداخت تا جلوی به قدرت رسیدن شیعیان حوثی را بگیرد. در طرف مقابل جمهوری اسلامی تلاش کرد با حمایت از حوثی‌ها، قدرت به دست شیعیان یمن بیفتد.

بیشتر جمعیت شیعه یمن در مجاورت مرزهای جنوبی و شرقی عربستان ساکنند که همواره با جمعیت شیعه عربستان در جنوب و شرق در تماس هستند. از دیدگاه آل سعود، شیعیان صعد، خطر بالقوه‌ای برای وهابیت به شمار می‌روند؛ به ویژه اینکه مانع بزرگی برای گسترش تفکرات آن‌ها در خاک یمن هستند. بنابراین از دلایل مهم دخالت عربستان در یمن، نگرانی این کشور از سرایت شورش‌ها به مناطق شیعه‌نشین عربستان بود. از نظر آن‌ها ایران در پی بهره‌گیری از یمن برای تحت فشار قراردادن عربستان سعودی و گسترش تشیع سیاسی در مرزهای جنوبی عربستان و سپس نفوذ دادن این مسئله به داخل این کشور است. عربستان، شیعیان یمن را نمایندگان ایران می‌داند و معتقد است جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد به واسطه حوثی‌ها بر یمن حکومت و برای امنیت ملی عربستان ایجاد چالش و تهدید کند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

در موضوع یمن از طرف هر دو کشور، علاوه بر وجود انگیزه‌های ژئوپلیتیکی، انگیزه‌های ایدئولوژیکی و مذهبی نیز وجود داشته است. عربستان مخالف به قدرت رسیدن شیعیان حوثی در همسایگی خود و جمهوری اسلامی خواهان قدرت گرفتن این گروه در شبه‌جزیره شد. عملیات نظامی عربستان در یمن در

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۲، بهار ۱۴۰۲

۶ فروردین ۱۳۹۴ (۲۵ مارس ۲۰۱۵) با حملات گسترده هوایی با ائتلافی از ۹ کشور عربی به رهبری عربستان سعودی زیرنام «عملیات طوفان قاطعیت» آغاز شد و در پی آن از تاریخ ۲ اردیبهشت همان سال، با نام «عملیات احیای امید» ادامه یافته است. عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، مصر، اردن، مراکش، سنگال و سودان که اعضای ائتلاف یاد شده‌اند به درجات مختلف از سوی آمریکا، بریتانیا، کانادا، ترکیه، چین و آلمان حمایت می‌شوند و در عین حال از پشتیبانی لجستیکی جیبوتی، اتریه، سومالی و فرانسه نیز برخوردارند.

عربستان تلاش کرده است با ایجاد ائتلاف و تهاجم نظامی به یمن، جنبش انصارالله را از قدرت سیاسی حذف کند و با چینش جریان‌های هم‌سو در ساختار قدرت، نفوذ جمهوری اسلامی در یمن را کاهش دهد (نیاکوئی و اعجازی ۱۳۹۵: ۵۴ - ۵۳). هدف عمده دولت ریاض از دخالت‌های نظامی در منازعه یمن را می‌توان بیش از هر چیز دیگری نشئت گرفته از دغدغه‌های همیشگی این رژیم نسبت به مطرح شدن هرچه بیشتر شیعیان در معادلات منطقه‌ای عنوان کرد.

مبانی ایدئولوژیک و نقش‌آفرینی فعال جمهوری اسلامی ایران در بحران یمن، بسترهای لازم برای کنشگری هویت‌بخش و بقامحور کشور را به وجود می‌آورد. بنابراین، یمن را باید از آن دسته کشورهایی دانست که به دلیل وجود مبانی دینی و اعتقادی مشترک با جمهوری اسلامی ایران، پیوندهای تاریخی و فرهنگی آن؛ هم‌چنین قرار گرفتن در ژئوپلیتیک بیداری اسلامی، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برای حفظ نفوذ ایران در منطقه و تداوم ارزش‌های انقلاب اسلامی برخوردار است. همکاری جمهوری اسلامی و حوثی‌های یمن را می‌توان به‌منزله ابزاری کارآمد و مؤثر برای ایجاد بازدارندگی در مقابل توسعه‌طلبی عربستان و گسترش نفوذ ایدئولوژیکی در حوزه خلیج‌فارس و دریای عمان قلمداد کرد (رستمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۴).

وب سایت تحلیلی " وُر آن دِ راکس"^۶ در آمریکا با بررسی گزارش‌های خبری کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و یمن به این نتیجه رسیده است که در دو سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، ۴۴ عضو سپاه پاسداران و حزب‌الله لبنان در یمن کشته و یا اسیر شده‌اند. این سایت ترکیب شمار کشته‌شدگان و اسیرشدگان را اینگونه گزارش کرده است: سال ۲۰۱۵ میلادی، ۱۰ سپاهی و ۹ عضو حزب‌الله؛ سال ۲۰۱۶، ۵ سپاهی و ۵ عضو حزب‌الله؛ و از ژانویه تا آوریل ۲۰۱۷، ۸ سپاهی و ۷ عضو حزب‌الله. در آغاز جنگ داخلی یمن توجه مشاوران سپاه پاسداران و حزب‌الله به آموزش و تسلیح حوثی‌ها معطوف شده بود و از حضور در میدان درگیری خود داری می‌کردند. کمپ‌های آموزشی سپاه و حزب‌الله در مکان‌هایی دور از مناطق

تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و ... / توتونچی، گل‌پرور و باقری‌زاده

درگیری دایر شده بود و از این رو هم شمار تلفات آنان پایین بود و هم حضور آنان کم‌رنگ جلوه می‌نمود (<https://warontherocks.com>).

به نوشته وبگاه "ور آن دِ راکس" شماری از فرماندهان میدانی اسیر شده حوثی تایید کرده‌اند که مشاوران سپاه پاسداران بر تعمیرات و نگهداری و استفاده از موشک‌های بالیستیک یکانهای موشکی حوثی‌ها نظارت دارند. علاوه بر این کار، این سپاهیان و شماری از اعضا حزب‌الله در مراکز دایر شده در صدها دوره‌های آموزشی برای حوثی‌ها در زمینه شیوه‌های هدف‌گیری، جهت‌یابی و نقشه‌خوانی دایر کرده‌اند.

حضور ایران و عربستان در بحران یمن و حمایت از گروه‌های درگیر در این کشور، نقطه اوج تقابل جویی سیاست‌های دو کشور بوده است. در یمن ایران به دنبال حمایت از گروه انصارالله است که تمایلات شیعی دارند و با سیاست‌های تهاجمی و سیادت‌طلبی عربستان سعودی زاویه دارند. عربستان اما به راحتی اجازه نخواهد داد دولتی با گرایش‌های شیعی و هم‌سو با سیاست‌های ایران در نزدیکی مرزهایش سر برآورد. این تقابل‌ها میان دو کشور بحران یمن را به بحرانی بغرنج و بلندمدت تبدیل کرده است.

جدول ۱: تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سیاست‌های

امنیت منطقه‌ای دو کشور

عربستان سعودی	جمهوری اسلامی ایران
حمایت از دولت و گروه‌های سنی برای مقابله با حوثی‌های تحت حمایت ایران	حمایت از حوثی‌های یمن به دلیل گرایش‌های نزدیک به تشیع
برخورداری از حمایت غرب در جنگ علیه حوثی‌های مورد حمایت ایران	مقابله با غرب برای حمایت از حوثی‌ها در جنگ داخلی این کشور
جنگ نیابتی بین حوثی‌های طرفدار ایران و گروه‌های مورد حمایت عربستان	جنگ نیابتی بین حوثی‌های طرفدار ایران و گروه‌های مورد حمایت عربستان

نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش بود که رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی چه تأثیری بر دگرگونی سیاست‌های امنیت منطقه‌ای دو کشور و چه پیامدی در تحولات یمن داشته است؟ فرضیه تحقیق مبین آن است که سیاست‌های امنیت منطقه‌ای عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران متأثر از رویارویی هویت‌جویانه دو کشور طی یک دهه گذشته به سمت تقابلی حرکت کرده و مخاصمات در منطقه را سبب گشته و تشدید کرده است.

این مقاله تلاش کرده تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را بر دگرگونی سیاست‌های امنیت منطقه‌ای دو کشور تبیین کند. بدین منظور سه مورد از سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور را بررسی کرده و تأثیر رویارویی هویتی بر آن‌ها را بررسی کرده است؛

شیعه‌گستری جمهوری اسلامی ایران در مقابل وهابی‌گری عربستان سعودی. از آنجا که دو مذهب وهابیت و تشیع دارای تضاد دیرینه با یکدیگر هستند، زمانی که مبنای سیاستگذاری خارجی دو کشور شدند، مقابل یکدیگر قرار گرفتند. بنابراین تقابل هویتی ایران شیعه و عربستان وهابی، منجر به تشدید وهابی‌گری سعودی‌ها و شیعه‌گستری جمهوری اسلامی در منطقه شد؛ ذهنیت و دیدگاه متفاوت عربستان و ایران به غرب، سبب اتخاذ سیاست‌های متفاوتی در مقابل غرب شده است. عربستان سعودی برای مقابله با نفوذ ایران شیعه در منطقه همکاری‌ها با غرب را چند برابر کرده است. جمهوری اسلامی در طرف مقابل به دلیل مبانی ایدئولوژیک نه تنها روابط با غرب را بهبود نبخشیده بلکه به دلیل حمایت غرب از عربستان در گسترش وهابیسیم توسط این کشور، روابط تیره‌تر شده است. بنابراین رویارویی هویتی عربستان و جمهوری اسلامی رویکردشان به غرب را در راستای غرب‌گرایی و غرب‌ستیزی تشدید کرده است؛ جنگ‌های نیابتی در منطقه؛ رویارویی هویت‌جویانه ایران و عربستان در کشورهای منطقه. نفوذ جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه و حمایت از برخی گروه‌های شیعه در به دست گرفتن قدرت، واکنش‌های عربستان را به دنبال داشت و این کشور نیز گروه‌های همسو با خود را در کشورهای منطقه پشتیبانی کرد. بنابراین جمهوری اسلامی و عربستان در کشورهای منطقه درگیر شدند. تلاش برای گسترش و نفوذ هویت مورد نظر دو کشور، سبب تشدید درگیری‌هایشان در کشورهای منطقه شد.

از مهم‌ترین نمونه‌های جنگ نیابتی بین جمهوری اسلامی و عربستان سعودی را می‌توان درگیری دو کشور در یمن عنوان کرد. عربستان از گروه‌های سنی و جمهوری اسلامی از شیعیان حوثی پشتیبانی می‌کند. عربستان از به قدرت رسیدن شیعیان حوثی نزدیک به جمهوری اسلامی در نزدیکی مرزهای خود هراس دارد و جمهوری اسلامی به دنبال به قدرت رساندن گروهی شیعه در همسایگی عربستان و افزایش عمق نفوذ خود در منطقه است. این رویارویی ایدئولوژیک و مذهبی سبب تداوم و تشدید بحران در یمن شده است و تاکنون چشم‌اندازی برای حل آن وجود نداشته است. اثرگذاری سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور ایران و عربستان از رویارویی هویت‌جویانه در بحران یمن به خوبی قابل مشاهده است. در سیاست مذهبی، هر کشور سعی در غالب کردن جریان مذهبی همسو با خود در یمن را دارد. جمهوری اسلامی برای قدرت گرفتن حوثی‌های شیعه تلاش می‌کند و عربستان برای به قدرت رسیدن گروه‌های سنی مخالف حوثی‌ها، در بحث رابطه با غرب، عربستان سعودی با همراهی و همکاری غرب و نیز اثرگذاری بر

تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و ... / توتونچی، گل‌پرور و باقری‌زاده

غربی‌ها در تلاش است گروه انصارالله یمن را گروهی شبه‌تروریستی معرفی کند که امنیت منطقه را تهدید کرده است. غرب نیز این روایت عربستان را کم و بیش پذیرفته است. در مقابل جمهوری اسلامی تلاش می‌کند انصارالله را گروهی مردمی و نماینده بخش بزرگی از مردم یمن نشان دهد که از طرف ائتلاف سعودی محاصره شده‌اند. در این مسئله، غرب مواضع جمهوری اسلامی را نپذیرفته که سبب فاصله گرفتن بیشتر جمهوری اسلامی از غرب و نزدیکی به کشورهای شرق شده است.

رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور را متأثر کرده و روابط دوجانبه و منطقه‌ای آن‌ها را تقابلی کرده است. تا زمانی که برداشتها و ذهنیت دولتمردان و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر مبنای هویت تقابلی‌جویانه و خصمانه باشد، سیاست‌خارجی دو کشور تهاجمی خواهد بود.

منابع

- ۱) ابراهیمی، نبی الله (۱۳۹۴)، سلفیه وهابی، تمایزهای هویتی عربستان سعودی و ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۶ (۶۳)، صص ۱۶۰-۱۴۵.
- ۲) اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۴)، تأثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی بر ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۲ (۶)، صص ۱۴۹-۱۲۵.
- ۳) اسدی، علی اکبر (۱۳۸۹)، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران: موازنه‌سازی و گسترش نفوذ، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس.
- ۴) صادقی، سید شمس‌الدین؛ لطفی، کامران (۱۳۹۵)، بحران یمن: جدال ژئوپلیتیکی محور محافظه‌کاری با محور مقاومت اسلامی، فصلنامه سیاست جهانی، ۵ (۱)، صص ۶۹-۴۱.
- ۵) علیزاده موسوی، مهدی (۱۳۸۹)، سلفی‌گری و وهابیت: تبارشناسی، قم: یاد اندیشه.
- ۶) فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳)، القواعد الفقہیة، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار (علیهم السلام).
- ۷) کرمی، کامران (۱۳۹۴)، پیامدهای منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای تحولات یمن بر الگوی رفتاری عربستان.
- ۸) محمدی، سامان و ذاکریان، مهدی (۱۳۹۸)، ابعاد واقع‌گرایانه و هویتی سیاست‌های عربستان سعودی در قبال تحولات سوریه، فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۲، پیاپی ۳۰، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۰۲-۷۵.
- ۹) محمودی کیا، محمد (۱۳۹۷)، سیاست خارجی ایدئولوژیک؛ از نظریه تا عمل، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۷، پاییز ۹۷.
- ۱۰) مدنی، مصطفی (۱۳۸۵)، تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس، مجله پژوهشی علوم انسان، دانشگاه اصفهان.
- ۱۱) مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- ۱۲) مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- ۱۳) نجات، سید علی و دیگران (۱۳۹۵)، راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۳.
- ۱۴) نجات، علی (۱۳۹۵). راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۳.

تأثیر رویارویی هویت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران و ... / توتونچی، گل‌پرور و باقری‌زاده

۱۵) ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.

۱۶) همتی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۹)، سیاست موازنه‌سازی عربستان در برابر ایران در یمن، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی فضایی، سال دهم، شماره یکم، بهار ۱۳۹۹.

17) -Belén Soage, Ana (2017), what is really behind the Saudi-Iranian cold war, Institute of Electrical and Electronics Engineers, available at: [https://www.ieee.es/en/Galerias/fichero/docs_opinion/2017/DIEEEEO71-](https://www.ieee.es/en/Galerias/fichero/docs_opinion/2017/DIEEEEO71-2017_Guerra_Fria_ArabiaSaudi-Iran_AnaBelenSoage_ENGLISH.pdf)

2017_Guerra_Fria_ArabiaSaudi-Iran_AnaBelenSoage_ENGLISH.pdf

18) -Chen, Victoria (2017). Saudi Arabia and Iran: Sectarianism, a Quest for Regional Hegemony, and International Alignments, Syracuse University Honors Program Capstone Projects, May.

19) -Diansaei, Behzad (2018), Iran and Saudi Arabia in the Middle East: leadership and sectarianism (2011-2017), RUDN University (Peoples' Friendship University of Russia), available at: <https://journals.rudn.ru/international-relations/article/view/18381>

20) -Gimenez Cerioli, Luíza (2018), Roles and International Behaviour: Saudi-Iranian Rivalry in Bahrain's and Yemen's Arab Spring, available at: <https://www.scielo.br/j/cint/a/P49xWSxydx3y5RvpZBQQm6B/?format=pdf&lang=en>

21) -H. Cordesman, Anthony (2010), the new war on terrorism, available at: <http://csis.org/publication/new-war-terrorism>.

22) Darwich, May (2016), The ontological (in)security of similarity: Wahhabism versus Islamism in Saudi foreign policy, Foreign Policy Analysis, Volume 12, Issue 3, July 2016, Pages 469-488, <https://doi.org/10.1093/fpa/orw032>

23) -Exploiting Thresholds for High-Order War"Rand Corporation, available at: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR1003.html

24) Jenkins, Sir John (2018), Saudi Arabia and Iran: Mirrored Islamisms, This memo was presented part of a workshop organised by the LSE Middle East Centre looking at the Saudi-Iran rivalry in the region on 7 May 2018, available at: <https://blogs.lse.ac.uk/mec/2018/06/19/saudi-arabia-and-iran-mirrored-islamisms/>

25) -National Interest and Sectarian Polarization"Orsam Review of Regional, available at: <https://www.orsam.org.tr/en/iran-saudi-arabia-tension-between-conflict-of-national-interests-and-sectarian-polarization/>

26) -Pillalamarri, Akhilesh (2014), The Radicalization of South Asian Islam: Saudi Money and the Spread of Wahhabism, Georgetown Security Studies Reviews, Available at: <https://georgetownsecuritystudiesreview.org/2014/12/20/the-radicalization-of-south-asian-islam-saudi-money-and-the-spread-of-wahhabism/>

27) -Thurston, Alexander (2016), How far does Saudi Arabia's influence go? Look at Nigeria, Available at: <https://www.washingtonpost.com/news/monkey-cage/wp/2016/10/31/how-far-does-saudi-arabias-influence-go-look-at-nigeria/>

28) -Wehrey, F. And et al. 2009. Saudi-Iranian Relations since the fall of Saddam: Rivalry, Cooperation, and Implications for U.S. Policy. Santa Monica: RAND Publishing.

یادداشت‌ها :

- 1 Luíza Gimenez Cerioli
- 2 Sir John Jenkins
- 3 Soage Anna
- 4 Constructivism
- 5 Wendt
- 6) War on the Rocks